



تدبر و تفسیر قرآن ۵

محمد رضا حاجے جعفری



فهرست

۲	مقدمات
۳	موضوعات
۴	قوم حضرت شعیب علیہ السلام
۴	سورہی مبارکہی شعراء
۴	نکات تدبری
Error! Bookmark not defined.	سورہی مبارکہی ہود
Error! Bookmark not defined.	نکات تدبری ۱
Error! Bookmark not defined.	نکات تدبری ۲



بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمات

در دروس تدبر و تفسیر، از ۱ تا ۳، تدبر ترتیبی را کار می‌کنند و در تدبر ۴ وارد تدبر موضوعی می‌شود. درس تدبر ۵ نیز، تدبر موضوعی متناسب با رشته است. سعی ما این است که این درس، دستاوردی برای اقتصاد اسلامی داشته باشد.

آیات اقتصادی قرآن را می‌توانیم به دو دسته تقسیم کنیم: یک دسته آیاتی هستند که رویکرد اعتقادی دارند و بینش‌های اقتصادی ما را اصلاح می‌کند؛ مثل موضوع سودجویی و منفعت‌طلبی. دسته‌ی دیگری از آیات نیز هستند که رویکرد کارکردی دارند که درواقع همان احکام هستند و در نظام‌سازی استفاده می‌شوند؛ آیات مربوط به خمس و زکات در این دسته جای دارند.

این درس منبع مشخص و معینی ندارد؛ اما کارهای مختلفی در این زمینه انجام شده است. آثار آقای محمد روحانی از جمله کارهای خوبی است در زمینه‌ی تدبر و تفسیر انجام شده است. کتاب *یستاده در باد* که تفسیر سوره‌ی احزاب می‌باشد شاخص‌ترین اثر ایشان می‌باشد. مشابه این کتاب، بحث‌هایی نیز در خصوص سوره‌ی شعراء دارند که برای ما قابل استفاده است.

بخشی از سوره‌ی مبارکه‌ی شعراء، درباره‌ی قوم حضرت شعیب علیه‌السلام می‌باشد که پاشنه آشیل آن‌ها، موضوعات اقتصادی و فسادهای اقتصادی بود که در نهایت هم، منجر به هلاکت آن‌ها و نزول عذاب شد. کار دیگری که در رابطه با آیات اقتصادی قرآن انجام شده است، کتاب *جایگاه رزق/انسان در هستی* نوشته‌ی آقار اصغر طاهرزاده می‌باشد. واژه‌ی رزق به کرات در آیات قرآن وجود دارد و آثار زیادی نیز در این زمینه نوشته شده است؛ کتاب آقای طاهرزاده، از نوشته‌های خوب در این زمینه می‌باشد. کتاب‌هایی نیز با عنوانی مشابه «آیات اقتصادی در المیزان» وجود دارند که نویسندگان آن‌ها با جمع‌آوری تفاسیر مربوط به آیات اقتصادی، نکایت را بیان کرده‌اند. علاوه بر این‌ها، مقالات زیادی نیز در این زمینه نوشته شده است.

برای کار کردن در زمینه‌ی «روش تحقیق موضوعی در قرآن»، کتابی با همین عنوان از آقای لسانی فشارکی وجود دارد که کتاب بسیار مناسبی است؛ به خصوص برای نوشتن کتاب یا مقاله. فهم آیات قرآن متناسب با فضا و جایگاهی که آن آیه نازل شده و موقعیتی که آن آیه در قرآن قرار گرفته، بسیار موضوع مهمی است. متأسفانه افراد زیادی هستند که بدون توجه به این نکته و صرفاً براساس یک ترجمه از آیات، دست به تدبر و تفسیر آیات می‌زنند. تفسیر و برداشت این افراد از آیات قرآن، عمدتاً یک «تفسیر به رأی است»؛ به عبارت دیگر، حقیقتاً به دنبال این نیستند که مقصود خداوند از آیه‌ی مورد نظر چیست، بلکه آیات قرآن را با نگاه و بینش خود می‌بینند و سعی می‌کنند نگاه خود را از دل آیات، بیرون بکشند.

هدف از تدبیر در قرآن، باید ایجاد انس بیشتر باشد؛ انس بیشتر برای ایجاد قرب بالاتر. البته هرکس ممکن است بعد از تدبیر، به یک نتیجه‌ی صحیح برسد یا به یک نتیجه‌ی غلط. اما در هر حالت، اجر خود را خواهد برد؛ حال یا دو اجر می‌برد یا یک اجر.

موضوعات

موضوعاتی که در مباحث بینشی مطرح می‌شود:

- ✓ رفتارشناسی اقتصادی قوم شعیب و تأثیر این رفتار در هلاکت، با توجه به آیات سوره‌های مبارکه‌ی شعراء و هود
- ✓ رفتارشناسی اقتصادی قوم سبأ
- ✓ داستان قارون و رفتار قوم موسی علیه‌السلام در برابر او

قوم حضرت شعیب علیه السلام

سوره مبارکه ی شعراء

جلسه ۲
۲۱ مهر ۱۳۹۹

مباحث قرآن را تقسیم کردیم به دو بخش: مباحث بینشی و مباحث کارکردی. ما بحث خود را از آیات بینشی آغاز می‌کنیم.

اشاره کردیم که یکی از داستان‌های قرآن که می‌تواند بینش ما را به خصوص در مسائل اقتصادی، اصلاح کند، آیات مربوط به داستان حضرت شعیب در سوره ی مبارکه ی شعراء است که در ادامه آورده‌ایم:

كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ (۱۷۶) إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ (۱۷۷) إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (۱۷۸) فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا (۱۷۹) وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۸۰) أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ (۱۸۱) وَ زِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ (۱۸۲) وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (۱۸۳) وَ اتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الْجِيلَةَ الْأُولَى (۱۸۴) قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ (۱۸۵) وَ مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَ إِنْ نَطْنُكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ (۱۸۶) فَاسْقِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۱۸۷) قَالَ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۸۸) فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۱۸۹) إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ (۱۹۰) وَ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۱۹۱) وَ إِنَّهُ لَنَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۹۲)

مردم ایکه نیز همه فرستادگان خدا را تکذیب کردند. (۱۷۶) آن گاه که شعیب به آنها گفت: آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟! (۱۷۷) همانا من برای شما فرستاده‌ای امینم. (۱۷۸) پس از خدا پروا کنید و مرا فرمان برید. (۱۷۹) و من بر این [رسالت] هیچ مزدی از شما نمی‌طلبم، مزد من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست. (۱۸۰) پیمان‌ها را [در مقام معامله] پر بدهید و از خسارت‌زنده‌ها نباشید. (۱۸۱) و با ترازوی درست وزن کنید. (۱۸۲) و کالاهای مردم را کم ندهید و در روی زمین مفسدانه حرکت نکنید. (۱۸۳) و از کسی که شما و اقوام پیشین را آفریده پروا کنید. (۱۸۴) گفتند: جز این نیست که تو از سحرشدگانی. (۱۸۵) و تو جز بشری مانند ما نیستی و حقیقت این است که ما تو را از دروغگویان می‌پنداریم. (۱۸۶) پس پاره‌هایی از آسمان را بر سر ما فرو افکن اگر از راستگویانی. (۱۸۷) گفت: پروردگار من به آنچه عمل می‌کنید داناتر است. (۱۸۸) پس او را تکذیب کردند و عذاب روز سایه آنها را فرا گرفت، حقا که آن عذاب روزی بزرگ بود. (۱۸۹) حقا که در این [داستان] نشانه‌ای است، و بیشتر آنها گرونده به حق نبودند. (۱۹۰) و همانا پروردگار تو عزیز و رحیم است. (۱۹۱) و به یقین این [قرآن] فرو فرستاده پروردگار جهانیان است. (۱۹۲)

نکات تدبری

همان‌طور که قبلاً هم اشاره کردیم، برای فهم آیات، اول باید کل سیاق را بشناسیم. اگر بخواهید

یک آیه را به صورت مجزا بررسی کنید و بفهمید، احتمالا به خطا خواهید رفت.

وقتی قرآن داستان پیامبران را نقل می‌کند، مشاهده می‌کنیم که بحث اصلی بیشتر پیامبران،

موضوع «توحید» است. اما وقتی به داستان قوم شعیب نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که اولین نکته‌ای



که حضرت شعیب به قوم خود می‌گوید، یک بحث اقتصادی است: **أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ**.

اصحاب «ایکه»، قومی بودند که به لحاظ مسائل اقتصادی و رفاه اجتماعی، وضعیت خوبی داشتند. از قوم دیگری نیز در قرآن اسم آمده، به نام قوم «سبأ». وجه مشترک این دو قوم، همین وضعیت رفاه خوب است. تذکر قرآن به این نکته، به ما یادآوری می‌کند که: رفاه بیش از حد اقتصادی و اجتماعی، غفلت‌آور است و باعث هلاکت می‌شود.

در آیه **إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ** حضرت شعیب، قوم خود را دعوت می‌کند به تقوا. اما نکته‌ی مهم در این آیه، این است که این دعوت به تقوا، هیچ قیدی دارد و به صورت مطلق بیان شد است. این موضوع نشان می‌دهد که قوم شعیب، هیچ خط قرمزی در زندگی نداشتند و انگار یک ولنگاری آن‌ها را فراگرفته بود. وقتی انسان هیچ خط قرمزی در زندگی نداشته باشد، در نهایت حتما منجر به هلاکت خواهد شد؛ اتفاقی متأسفانه امروز نیز، در جامعه‌ی ما هم مشاهده می‌شود.

حضرت شعیب در آیه **فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا**، قوم خودش را به اطاعت «خودش» دعوت می‌کند؛ این مسأله، نشان‌دهنده‌ی موضوع مهم «ولایت» است و نشان می‌دهد که خط قرمز داشتن، کافی نیست بلکه باید ولایت رسول را نیز پذیرفت.

با مشاهده‌ی آیه **وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ** ممکن است این سوال در ذهن ایجاد شود که چرا حضرت شعیب، یکدفعه موضوع «اجر» را بیان می‌کند؛ درحالی که پیش از این جمله، سخنی از بده‌بستان و درخواست اجر نیست. در پاسخ باید گفت که این سخن حضرت شعیب، درواقع «دفع دخل مقدر» است؛ یعنی حضرت در پاسخ به آنچه که در حدس می‌زده در ذهن این‌ها وجود دارد، آن سخن را فرموده. به عبارت دیگر، این سخن حضرت نشان می‌دهد نگاه این قوم به همه‌ی مسائل، یک نگاه منفعت‌طلبانه و سودجویانه است و همواره به دنبال این هستند که اگر می‌خواهند امتیازی بدهند، حتما باید یک نفع سودجویانه‌ی مادی و ملموس از آن ببرند. لذا این نشان می‌دهد که عیار آن قوم، یک عیار صرفا دنیاطلبانه بوده است. درنتیجه، با کنار هم گذاشتن این نکته و سایر آیات این سوره، می‌توان گفت اگر در جامعه‌ی ما نیز چنین نگاهی بین مردم حاکم شد که همه چیز را در دنیا و مادیات دیدند، باید منتظر هلاکت بود.

این نگاه منفعت‌طلبانه‌ی مادی باعث شده بود آن‌ها در مسیری قرار بگیرند که: **أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ**؛ یعنی در مسیری که برای یک مقدار نفع مادی بیشتر، کم‌فروشی کنند یا پیمان‌شان میزان نباشد. آنچه که امروز نیز در میان بعضی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه امام صادق نیز جریان پیدا کرده که همگی به دنبال یک جا و مکان برای خود هستند و در هر پست و سمتی

که بتوانند، فارغ از اینکه توانایی دارند یا خیر، وارد می‌شوند، به خاطر همین نگاه منفعت‌طلبانه و مادی است.

✚ در قرآن‌ها معمولاً برای ترجمه‌ی مخسرین در عبارت *وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ*، از واژه‌ی «کم-فروشان» استفاده می‌کنند؛ درحالی که ترجمه‌ی بهتر و دقیق‌تر این است که بگوییم: از کاهندگان نباشید. چرا که روحیه‌ی کم‌گذاشتن و کاهندگی، فقط در خریدوفروش نیست؛ بلکه هرکس در هرجایی که مشغول به کار است می‌تواند کم‌کاری کند.

✚ واژه‌ی «عَثَوَ» که در آیه‌ی *وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ* آمده است، هم‌معنای با «فَسَدَ» می‌باشد اما یک وسعت و شدت بیشتری از فساد را نشان می‌دهد. علاوه بر این، استفاده از این واژه نشان می‌دهد که نتیجه‌ی تمام این منفعت‌طلبی‌ها و کم‌گذاشتن‌ها و کم‌فروشی‌ها، چیزی جز فساد و تباهی برای انسان نیست.

✚ حضرت شعیب در این آیات، سه بار قوم خودش را دعوت به تقوا می‌نماید. در اولین آیه، همان‌طور که گفته شد، چون برای تقوا هیچ قیدی را ذکر نکرده، لذا نشان می‌دهد که تقوا به صورت مطلق مدنظر است. در آیه‌ی دوم، این تقوا قید می‌خورد به «الله»؛ و نشان می‌دهد که تقوا باید یک جهتی داشته باشد. تقوای انسانیت و آن چیزی که گاهی اوقات امروزه مطرح می‌شود، یک حرف بی‌معنایی است. تقوا باید سمت و سویی الهی و خدایی داشته باشد، باید رنگ دینی داشته باشد و متصل به اخلاق دینی و اسلامی باشد. بنابراین، آن چیزی که اصالت دارد، تنها تقوای الهی است. در نهایت، در آیه‌ی سوم مربوط به تقوا، می‌فرماید: *وَاتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّةَ الْأُولِينَ*. در این آیه، حضرت شعیب، تقوای پیشین را کمی بسط می‌دهد و تبیین می‌کند. این تبیین را، مبتنی بر توحید خالقیت خداوند بیان می‌دارد و این مسأله نشان می‌دهد که حضرت شعیب، ریشه‌ی کم‌فروشی و کم‌گذاشتن این‌ها را در ضعف نسبت به خالقیت خداوند می‌دانند؛ به عبارت دیگر، ریشه‌ی اصلی کم‌فروشی و کم‌گذاشتن، منفعت‌طلبی مادی است و آنچه که این نفع‌طلبی را تقویت می‌کند، نگرانی از بابت از دست دادن مال دنیا است. به این ترتیب، در این آیه تذکر می‌دهد روزی‌رساننده‌ی اصلی، خداوند است. البته در اینجا از واژه‌ی «رازق» استفاده نکرده اما می‌دانیم که در نسبت بین اسماء الهی، رازقیت در ذیل خالقیت مطرح می‌شود. لذا چون نگرانی این‌ها را می‌داند، تذکر می‌دهد خالق اصلی خداوند است.

✚ در پاسخ به سخنان حضرت شعیب، اولاً، به او گفتند که تو سحر شده‌ای. سپس، گفتند تو نیز مانند ما بشر هستی و تفاوتی با ما نداری، لذا چرا باید از تو تبعیت کنیم. در ادامه گفتند تو از آدم‌های دروغ‌گو هستی و ما تو را راستگو نمی‌دانیم. چهارم، ایشان را مسخره کردند و گفتند اگر می‌توانی سنگی از آسمان بر سر ما نازل کن. این چهار پاسخی به حضرت دادند، می‌خواهد بگوید مارک‌هایی

که جنگ روانی دشمن علیه شما مطرح می‌کند، همین‌هاست. و وقتی ما هم نگاه می‌کنیم، می‌بینیم امروز نیز دقیقاً همین است. شکستن شأن افراد مقدس که این آیات نیز وجود دارد، از مسائل مهم امروز جامعه‌ی ما است. روحیه‌ی تقدس‌زدایی مشکل اصلی قوم شعیب و مشکل امروز ما است. لذا هر مبلغی باید نسبت به این چهار نکته‌ی تبلیغی باشد.

پاسخ حضرت نسبت به همه‌ی این سخنان این است که: قَالَ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ. حضرت در حقیقت با این بیان، به نوعی زمین بازی را عوض می‌کند و نمی‌خواهد در فضایی که آن‌ها ایجاد می‌کنند، وارد شود.

جمع‌بندی: اگر می‌خواهیم جامعه را به لحاظ ابعاد اقتصادی غلط نجات بدهیم، باید روحیه‌ی منفعت‌طلبی مادی را درمان کنیم. اگر روحیه‌ی جامعه‌ی ما، منفعت‌طلبی مادی شد و هرچیزی را با عیار ماده و دنیا دید، آن‌گاه این جامعه به سمت هلاکت حرکت خواهد کرد و در نهایت نابود خواهد شد. البته ممکن است سنت املاء الهی نیز جاری شود که جامعه به حال خودش رها می‌شود تا هرچه که می‌خواهند فساد ایجاد کنند. اما ابزار درمان این بیماری، نیز انذار به تقوای الهی می‌باشد.